

سرمقاله

بررسی ساختار صنعت نفت در کشورهای مختلف جهان دو الگوی مختلف توسعه را نشان می‌دهد. الگوی توسعه مبتنی بر بهره‌برداری و الگوی توسعه مبتنی بر صنعت و تکنولوژی.

الگوی بهره‌برداری که بخش اعظمی از کشورهای نفت‌خیز جهان، صنعت نفت خود را مطابق آن پایه‌ریزی کرده‌اند بر اساس بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز به وسیله سرمایه خارجی و تکنولوژی وارداتی و تولید ارزش افزوده از فروش آن است. کشورهایی که از این الگو تبعیت می‌کنند حفظ سهم تولید نفت در بازار جهانی و تأمین مطمئن نیاز انرژی دنیا را به عنوان هدف استراتژیک دنبال می‌کنند و توسعه تکنولوژی هدفی فرعی در برنامه‌ریزی آن‌ها محسوب می‌شود.

این کشورها سرمایه و تکنولوژی را به صورت قراردادهای مشارکتی، خدماتی یا پیمانکاری و امتیازی از منابع خارجی استخدام می‌کنند و از محل عایدات فروش نفت به صورت مستقیم یا غیر مستقیم هزینه‌ها، سود یا سهم مشارکت طرف مقابل را می‌پردازند.

کشورهای نفت‌خیزی مانند عربستان سعودی، قطر و عراق و ایران، علیرغم تلاش‌های انجام شده در هر یک، از این الگوی توسعه پیروی می‌کنند. به همین دلیل، پس از سالها سابقه در این صنعت هنوز نمی‌توانند مستقلاً از منابع عظیم نفت و گاز خود بهره‌برداری نمایند.

صنعت نفت ایران مثال روشنی از مدل توسعه مبتنی بر بهره‌برداری است. هرچند صنعت نفت در ایران از توان فنی و مهندسی خوبی نسبت به کشورهای نفت‌خیز منطقه خلیج فارس برخوردار است اما بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای در این صنعت به وسیله سرمایه و تکنولوژی‌های خارجی انجام می‌گیرد و درصد عمده کالا و تجهیزات مورد نیاز این صنعت از خارج تأمین می‌شود.

ویژگی دیگر کشورهایی که از این الگو تبعیت می‌کنند وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی است. وابستگی به درآمدهای نفتی دولت‌ها را به راه‌های زودبازدهی متوجه می‌کند و از توجه به توسعه صنعت نفت که نیازمند زمان و کسب تجربه است دورتر می‌کند.

در مقابل این دسته، گروهی از کشورها، توسعه صنعت نفت خود را بر اساس توسعه تکنولوژی یعنی توان علمی و فنی اکتشاف، تولید و فرآوری نفت قرار داده‌اند. این کشورها کوشیده‌اند زیرساخت‌های نهادی و

انسانی لازم برای انجام فعالیت‌های مهندسی، بهره‌برداری و توسعه‌ای را ایجاد کرده و به این وسیله منابع خود را استحصال کنند یا در انجام پروژه‌های کشورهای نفت‌خیز سهیم شوند.

سهیم این دسته از کشورها از درآمد صنعت نفت در موارد زیادی به مراتب از کشورهای صاحب منابع نفتی بیشتر است. وابستگی تکنولوژی کشورهای نفت‌خیز به صاحبان فن‌آوری، این کشورها را ناگزیر می‌کند بخش بزرگی از ثروت نفتی خود را به این شرکت‌ها بدهند و در چنبره سلطه فنی آن‌ها زندگی کنند.

این الگو طیف وسیعی از کشورهایی مانند آمریکا، نروژ، ژاپن یا حتی هند و چین را در بر می‌گیرد. وجه مشترک این کشورها، نگرش به تکنولوژی و توانمندی‌های فنی و مهندسی به مثابه ابزار اصلی حضور در بازار رقابت و کسب درآمد و تلاش برای کسب درآمد از صنعت نفت و تأمین مطمئن انرژی کشور است.

الگوی توسعه مبتنی بر تکنولوژی به مراتب نسبت به توسعه مبتنی بر بهره‌برداری مخازن نفتی ارجحیت دارد. ایجاد رونق اقتصادی، قطع وابستگی، درآمد بالا و اشتغال‌زایی از جمله مزایای این الگو محسوب می‌شود. اتخاذ این الگو و پیاده کردن آن، زیرساخت‌های فرهنگی، انسانی و سازمانی خاصی را می‌طلبد که در کشورهای دسته اول وجود ندارد. مهمترین مانع توسعه صنعت و تکنولوژی نهادینه شدن رویکرد بهره‌برداری در ذهن و اندیشه مدیران عالی و کارشناسان نفتی کشور و عدم آگاهی ایشان از راه و روش توسعه صنعتی است.

غالب این مدیران که کارشناسان بهره‌برداری یا مدیران سیاسی هستند که در محضر همین کارشناسان تلمذ کرده‌اند راه تحقق الگوی صنعتی را نمی‌شناسند و حوزه سیاسی هم که به مصرف درآمدهای نفتی عادت دارد پشتیبانی لازم را از آن‌ها به عمل نمی‌آورد. به عنوان مثال سرمایه لازم برای توسعه صنعت از فروش نفت و گاز را تأمین نمی‌کند یا سازوکارهای قانونی لازم برای استقلال عمل مدیران را فراهم نمی‌آورد.

اختلاف اساسی نگرش مبتنی بر بهره‌برداری با توسعه تکنولوژی در تعریف این دو گروه از تکنولوژی و نقش آن در توسعه قرار دارد. از دید گروه نخست تکنولوژی به معنی ابزارآلات و تجهیزات و ماشین‌آلات بهره‌برداری از منابع نفتی است. اما از نگاه دوم تکنولوژی شرط اساسی توسعه و ابزار حضور و رقابت در بازار است. از این زاویه فناوری مجموعه‌ای از نرم‌افزار انسانی و سازمانی و سخت‌افزار ماشینی است که توان تولید یا بهره‌برداری منابع نفتی را ایجاد می‌کند.

نگرشی که به دنبال کسب سود راحت و آنی از مخازن نفت و گاز است حوصله لازم برای سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های نهادی و انسانی را ندارد و به جای ملاحظه خود در رقابت جهانی صنعت نفت خود را در بازار رقابت فروش نفت خام و گاز ملاحظه می‌کند و به این حضور افتخار می‌کند. فراتر از این نگرش، مدیریت صنعت نفت در این دسته از کشورها گرفتار نوعی عدم اعتماد به نفس است که اصولاً رسیدن به توانمندی‌های تکنولوژی ملی را در حد خود نمی‌بیند و به مصرف دستاوردهای تکنولوژیک خود بدین است.